



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.


Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



امام مہدی (عج)
در کلام بزرگان

محمد فاطمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام بزرگان

نویسنده:

محمد فاطمی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	امام مهدی (عج) در کلام بزرگان
۷	مشخصات کتاب
۷	امام مهدی در کلام امام حسین (ع)
۷	مقدمه
۷	نسب مهدی
۸	عدالت گستری مهدی
۱۰	صابران در غیبت مهدی
۱۱	خصال مهدی
۱۲	سخنان معصومان درباره امام مهدی (عج)
۱۵	امام مهدی در کلام نبی
۱۶	مهدی موعود از دیدگاه ملاصدرا
۱۶	اشاره
۱۷	زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست
۱۹	شرایط امامت و تعیین مصداق
۲۱	فضیلت اهل بیت
۲۱	ایمان به حضرت مهدی ایمان به غیبت است
۲۱	ویژگی های حضرت مهدی در هنگام ظهور
۲۲	صدر المتألهین و مسأله رجعت
۲۲	اهل سنت و مسأله امامت و مهدویت
۲۳	نظره فی احادیث المهدی
۲۸	بعض ما ورد فی احادیث الاصحاب والتابعین حول الامام المهدی
۳۱	بعض ما ورد فی احادیث الرسول الاکرم حول الامام المهدی
۳۵	پاورقی

امام مهدی در کلام امام حسین (ع)

مقدمه

وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم، اروحنا له الفداء، در معارف به عنوان «خونخواه کشته کربلا» [۱] شناخته شده و شیعیان همراهی با آن امام منصور برای گرفتن انتقام خون حسین (ع) و یارانش را یکی از آرزوهای بزرگ خود می دانند، [۲] تا جایی که در هر عاشورا به یکدیگر اینگونه سر سلامتی می دهند: «اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین (ع) و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد» [۳]. خداوند پاداش ما را در عزای مصیبت حسین (ع) بزرگ گرداند و او شما را از جمله کسانی که به همراه ولی اش امام مهدی از آل محمد: به خونخواهی او برمی خیزند قرار دهد. در یک کلام نام حسین (ع) و مهدی (ع) برای شیعیان یادآور یک حکایت ناتمام است، حکایتی که آغازگر آن حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و پایان بخش آن حضرت بقیه الله الاعظم (ع) است. در هر حال از آنجا که در اذهان شیعیان این دو وجود مقدس از قرابت و ارتباطی جدایی ناپذیر برخوردارند. از همین رو مناسب دیدیم که در ایام عزای سرور آزادگان به بخشی از معارف ارزشمندی که از آن حضرت در ارتباط با فرزند ارجمندش حضرت مهدی (ع) رسیده است اشاره کنیم:

نسب مهدی

حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در روایتهای متعددی به این موضوع که حضرت مهدی (ع) از فرزندان و نوادگان ایشان است اشاره کرده اند که از جمله آنها روایتی است که در زیر آمده است: «دخلت علی جدی رسول الله (ص) فاجلسنی علی فخذہ و قال لی: ان الله اختار من صلبک یا حسین تسعه ائمه، تاسعهم قائمهم، و کلهم فی الفضل والمنزله عند الله سواء» [۴]. بر جدم رسول

خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، وارد شدم، پس ایشان مرا بر زانوی خود نشانده و فرمود: ای حسین! خداوند از نسل تو نه امام را برگزیده است که نهمین نفر از ایشان قیام کننده آنهاست و همه آنان در پیشگاه خداوند از نظر فضیلت و جایگاه برابر هستند. این موضوع که قائم آل محمد (ص) از نسل حسین (ع) و نهمین نواده اوست در روایات بسیاری، که از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده، آمده است و هر گونه شک و تردید نسبت به نام و نشان و مشخصات موعود آخرالزمان و آخرین ذخیره الهی را برطرف می سازد. «دخلت علی النبی (ص) فاذا الحسین علی فخذة و هو یقبل عینیه وفاه و یقول: انت سید ابن سید انت، امام ابن امام، أنت حجه ابن حجه، ابو حجاج تسعه من صلبک تاسعهم قائمهم.» [۵]. بر پیامبر خدا وارد شدم و دیدم که آن حضرت در حالی که حسین را بر زانوی خود نشانده بر چشمها و دهان او بوسه می زند و می فرماید: تو آقایی فرزند آقایی، تو امامی فرزند امامی، تو حجتی فرزند حجتی، تو پدر حجت‌های نه گانه ای، از نسل تو نهمین حجت و قیام کننده آنان بر خواهد خاست.

عدالت گستری مهدی

عدالت و تشکیل جامعه ای بر اساس عدل از آرمانهای همیشگی بشر بوده و در طول هزاران سالی که از زندگی انسان بر کره خاک می گذرد و صدها و هزاران نفر در پی تحقق این آرمان، بشریت خسته از ظلم و ستم را به دنبال خود کشیده اند، اما جز در مقاطع کوتاهی از زندگی بشر و آن هم در سرزمینهای محدود هرگز این آرمان بدرستی تحقق نیافته

و هنوز هم عدالت آرزویی دست نیافتنی برای انسان عصر حاضر است. با توجه به همین موضوع در روایت‌هایی که از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم شیعه: وارد شده، گسترش عدالت و از بین بردن ظلم را یکی از بزرگترین رسالت‌های امام مهدی (ع) بر شمرده و تحقق عدالت واقعی را تنها در سایه حکومت او امکان پذیر دانسته اند. از جمله این روایتها روایتی است که از حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) نقل شده و در آن آمده است: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، ل طول الله عزوجل ذلک الیوم حتی ینخرج رجل من ولدی، فیملها عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما، کذلک سمعت رسول الله (ص) یقول [۶]. اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد و خداوند آن روز را چنان طولانی می گرداند که مردی از فرزندان من قیام کند و دنیا را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده بود پر از عدل و داد نماید، من این سخن را از رسول خدا، که درود و سلام خداوند بر او باد، شنیدم. پیامبر گرامی اسلامی (ص) نیز قیام عدالت گستر نهمین فرزند امام حسین (ع) را چنین بیان می کنند: «... و جعل من صلب الحسین (ع) ائمه یقومون بامری... التاسع منهم قائم اهل بیتی، مهدی امتی، شبه الناس بی فی، شمائله و اقواله و افعاله، ینظر بعد غیبت طویله و حیره مظلله، فیعلن امر الله و ینظر دین الله... فیمل الارض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما.» [۷]....

خداوند از فرزندان امام حسین، امامانی قرار داده است که امر (راه و روش آیین) مرا بر پا می دارند. نهم آنان قائم

خاندان من مهدی امتم می باشد. او شبیه ترین مردمان است به من در سیما و گفتار و کردار. پس از غیبتی طولانی و سرگردانی و سردرگمی مردم، ظاهر می شود، آنگاه امر (آیین) خدا را آشکار می سازد... پس زمین را از عدل و داد لبریز می کند پس از آنکه از ستم و بیداد لبریز شده باشد.

صابران در غیبت مهدی

یکی از ارکان انتظار فرج صبر و پایداری است و انسان منتظر در واقع کسی است که همه سختیها و ناملایمات را به امید رسیدن به آرمان بلند خویش تحمل می کند و از فشار و تهدید زورگویان و طعنه و تکذیب نابخردان هراس به دل راه نمی دهد، از همین رو در روایات صبر و انتظار همواره قرین یکدیگر بوده و فضیلت بسیاری برای صبر پیشگان در زمان غیبت بر شمرده شده است. حضرت سیدالشهداء (ع) که خود والاترین مظهر صبر و مقاومت در راه ادای تکلیف الهی است در بیان مقام منتظرانی که صبر و شکیبایی پیشه ساخته و بر آرمان خویش پایداری می ورزند می فرماید: «منا اثنا عشر مهديا، اولهم امير المؤمنين علي بن ابي طالب، و آخرهم التاسع من ولدي، و هو القائم بالحق، يحيي الله به الارض بعد موتها، و يظهر به دين الحق علي الدين كله، و لو كره المشركون. له غيبه يرتد فيها اقوام و يثبت فيها علي الدين آخرون، فيؤذون و يقال لهم: «متي هذا الوعد ان كنتم صادقين، اما ان الصابر في غيبته علي الاذی و التكذيب بمنزله المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله (ص)» [۸]

در میان ما اهل بیت دوازده مهدی وجود دارد که اولین آنها امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) و آخرین آنها نهمین فرزند

من است. و اوست قیام کننده به حق، خداوند به وسیله او زمین را پس از آنکه مرده است زنده می کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان غلبه می دهد، اگر چه مشرکان نپسندند. برای او غیبتی است که گروهی در آن از دین خدا بر می گردند و گروهی دیگر بر دین خود ثابت می مانند، که این گروه را اذیت کرده و به آنها می گویند: «پس این وعده چه شد اگر راست می گویند؟» آگاه باشید آنکه در زمان غیبت او بر آزار و اذیت و تکذیب صبر کند همانند کسی است که در مقابل رسول خدا (ص) با شمشیر به جهاد برخاسته است. شاید بتوان گفت فضیلت‌های بی شماری در روایات ما که برای منتظران فرج بر شمرده اند به اعتبار همین صبر و شکیبایی و تحمل مشکلاتی است که منتظران واقعی فرج بر خود هموار می کنند. چنانکه در روایتی که از امام صادق (ع) وارد شده، آمده است: «...فلا یستفرنک الشیطان، فان العزه لله و لرسوله و للمؤمنین، و لکن المنافقین لا یعلمون، الا- تعلم ان من انتظر امرنا و صبر علی، یری من الاذی والخوف، هو غدا فی زمرةنا...» [۹]. شیطان تو را تحریک نکند. زیرا که عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است لیکن منافقان نمی دانند، آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما (حاکمیت اجتماعی آرمانی ما) باشد، و بر بیمها و آزارهایی که می بیند شکیبایی ورزد، در روز بازپسین در کنار ما خواهد بود...

خصال مهدی

حضرت مهدی (ع) عصار و فشرده عالم هستی [۱۰] و وارث همه انبیاء اولیاء الهی است، و خداوند متعال همه خصال نیکویی را که در بندگان صالح

پیش از او وجود داشته، در آن حضرت جمع کرده است. به بیان دیگر آنچه خوبان همه دارند او به تنهایی دارد. در زمینه آنچه گفته شد روایتهای بسیاری وارد شده که از جمله آنها می توان به روایت زیر که از حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) نقل شده اشاره کرد: «فی القائم منا سنن من الانبیاء: سنه من نوح، و سنه من ابراهیم، و سنه من موسی و سنه من عیسی، و سنه من ایوب و سنه من محمد (ص). فاما من نوح: فطول العمر؛ و اما من ابراهیم: فخفاء الولاده و اعتزال الناس؛ و اما من موسی: فالخوف والغیبه؛ و اما من عیسی: فاختلاف الناس فیه، و اما من ایوب: فالفرج بعد البلوی؛ و اما من محمد (ص) فالخروج بالسیف.» [۱۱]

در قائم ما (اهل بیت) سنتهایی از پیامبران الهی وجود دارد؛ سنتی از نوح، سنتی از ابراهیم، سنتی از عیسی، سنتی از ایوب: سنتی از محمد (ص) از نوح طول عمر، از ابراهیم پوشیده ماندن ولادت و کناره گیری از مردم، از موسی، ترس و غیبت از جامعه، از عیسی اختلاف مردم درباره او، از ایوب گشایش بعد از سختیها و بلاها، و از محمد (ص) قیام با شمشیر را.

سخنان معصومان درباره امام مهدی (عج)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله تعالی رجلا من اهل بیتی یملوها عدلا کما ملئت جورا» اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند از خاندان من مردی را برانگیزد که آن را پر از عدل و داد کند همچنان که پر از جور و ستم شده باشد. امام علی علیه السلام: «انتظروا الفرغ و لا تياسوا من

روح الله فان احب الاعمال الى الله عز و جل انتظار الفرج» ظهور فرج [قائم آل محمد (ص)] را منتظر باشید و از رحمت خداوند ناامید نباشید، که محبوبترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است. امام علی علیه السلام: «لو قد قام قائمنا لا نزلت السماء قطرها و لا خرجت الارض نباتها و لذهبت الشحنة من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم» اگر قائم ما (آل محمد) قیام کند، آسمان قطرات خود را فرو فرستد و زمین گیاهان خود را بیرون دهد و کینه ها از سینه ها بیرون رود و ددان و چهارپایان در صلح و صفا باشند. امام حسین علیه السلام: «اما ان الصابر في غيبته على الاذى و التكذيب بمنزله المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله (ص)» همان صبر کنندگان بر اذیت و آزار و تکذیب دشمنان در زمان غیبت قائم آل محمد (علیه السلام) مانند مجاهدانی هستند که همراه پیامبر با شمشیر پیکار می کنند. امام سجاد علیه السلام: «اذا قام القائم اذهب الله عن كل مومن العاهه و رد اليه قوته» زمانی که قائم آل محمد (علیه السلام) قیام کند خداوند رحمان، مایه فساد را از مومنان برطرف می سازد و توانائی و اقتدار گرفته شده را به افراد با ایمان باز می گرداند. امام باقر علیه السلام: «القائم منا منصور بالرعب مويد بالنصر... و تظهر له الكنوز... فلا يبقى في الارض خراب الا عمر» قائم ما (آل محمد) با ترس در دل دشمنان پیروز و با نصرت (حق) تایید شود... گنجها برای او نمایان گردد... و (آن زمان) در زمین هیچ جای خرابی نماند جز آن که آن را آباد گرداند. امام باقر علیه السلام: «اذا قام القائم جات المزامله و ياتي الرجل الي كيس اخيه فياخذ حاجته لا يمنعه» به هنگام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) آنچه

هست دوستی و همکاری و یگانگی است تا آنجا که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب دیگری بر می دارد بدون هیچ ممانعتی. امام صادق علیه السلام: «من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر فان مات و قام القائم بعده کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه فجعدوا و انتظروا هنیئا لکم ایتهالعصابه المرحومه» هر کس که بودن در شمار یاران قائم (عج) او را شادمان سازد باید به انتظار باشد و باید با پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند. پس اگر اجلس فرا رسد و امام قائم (علیه السلام) پس از درگذشت او قیام کند، بهره او از پاداش برابر با پاداش کسی است که آن حضرت را درک کرده باشد. پس بکوشید و منتظر باشید گوارا باد شما را ای گروه بخشوده. امام صادق علیه السلام: «من مات منکم و هو منتظر لهذا الامر کمن هو مع القائم فی فسطاطه... لا بل کمن قارع معه بسیفه... لا والله الا کمن استشهد مع رسول الله (صلی الله علیه و آله)» هر که در انتظار حکومت قائم درگذرد، همچون کسی است که در اردوی حضرت قائم (علیه السلام) است یا حتی همچون کسی است که با شمشیر همراه او می جنگد، نه به خدا سوگند همچون کسی است که در رکاب پیامبر اکرم به شهادت رسیده باشد. امام حسن عسکری علیه السلام: «ان ابني هو القائم من بعدی یجری فیہ سنن الانبیاء: بالتعمیر و الغیبه حتی تقسو قلوب لطول الامد و لا یثبت علی القول به الا من کتب الله عز و جل فی قلبه الایمان و ایده بروح منه» پس از من فرزندم قائم است و اوست که

مانند پیامبران، عمری دراز و غیبت خواهد داشت در غیبت طولانی او دل‌هایی تیره گردد. فقط کسانی در اعتقاد به او پای بر جا خواهند ماند که خداوند عز و جل دل آنان را به فروغ ایمان ثابت و آنان را با مدد خویش مویذ گرداند. امام حسن عسکری علیه السلام: «... لا ن طاعه آخرنا كطاعه اولنا و المنكر لا خرنا كالمنكر لا ولنا اما ان لولدى غيبه يرتاب فيها الناس الا من عصمه الله عزوجل»... فرمانبری از آخرین ما همچون فرمانبری از نخستین ماست و انکار آخرین ما بسان انکار نخستین ماست. هان که فرزند من غیبتی خواهد داشت که مردم در آن دچار تردید خواهند شد مگر آن کسی که خدای عز و جل حفظش کند..

امام مهدی در کلام نبی

آنگاه که گردآمدگان در غدیر خم، چشم بر دهان محمد مصطفی (ص) دوختند تا در جمع یکصد و بیست هزار نفری خود، سخنانش را بشنوند. نبی اکرم (ص) پس از حمد و ثنای خداوند و دعوت مردم به سوی خاندان گرامی نبوت و چنگ زدن به ریسمان ولایت علی بن ابیطالب (ع) فرمودند: «ای گروه مردمان! آن نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفت و پس از آن در وجود علی (ع)، آنگاه از او در نسلش تا «قائم المهدی (ع)» که بازگیرنده حق است و جلب کننده همه حقوق از دست رفته ما. - «الا- و ان خاتم الاوصياء منا القائم المهدی. آگاه باشید که خاتم اوصیاء مهدی قائم (ع) از ماست. - «الا انه الظاهر علی الدین کله. آگاه باشید که او بر همه ادیان پیروز می شود. - «الا- انه المنتقم من الظالمین. آگاه باشید که او انتقامگیر از ستمگران است. - «الا انه فاتح الحصون و هادمها». آگاه باشید که گشاینده و درهم کوبنده

مرزهاست. «الا انه مدرک بکل ثار لاولیاءالله عز و جل. آگاه باشید که او خونخواه همه بندگان صالح خداست.» «الا انه قاتل کل قبیله من اهل الشرک. آگاه باشید که او کشنده هر قبیله ای از مشرکان است.» «الا انه الغراف من البحر العمیق. آگاه باشید که او نهری خروشان از اقیانوسی بیکران است.»... آگاه باشید که او یاور دین خدای تبارک و تعالی است.»... آگاه باشید که او هر دانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می شناسد.»... آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب شده خداوند است.»... آگاه باشید که او وارث هر دانش و دربرگیرنده آن است.»... آگاه باشید که او آنچه بگوید از پروردگارش می گوید و هشداردهنده به امر ایمان است.»... آگاه باشید که او رشید و کامل و نیرومند و متین است.»... آگاه باشید که فرمانروایی جهان هستی به او واگذار شده است.»... آگاه باشید که هر کس از (پیامبران و امامان) پیش از او، نوید آمدنش را داده اند.»... آگاه باشید که او تنها حجت بازمانده خداوند است، بعد از او حجتی نیست، حقی جز با او و نوری جز در پیش او نیست.»... آگاه باشید که احدی بر او چیره نیست و کسی او را شکست ندهد.»... آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین، و داور او در میان مردم و امین او در آشکار و نهان است.

مهدی موعود از دیدگاه ملاصدرا

اشاره

عبدالرسول هادیان شیرازی اشاره: بحث درباره موعود آخرالزمان مسأله ای است که از دیر باز مورد توجه اندیشمندان و متفکران دینی بوده است. و هر کس بسته به ذوق و استعداد خود به گوشه یا گوشه هایی از زوایای مختلف آن توجه کرده است. در این نوشتار به بررسی دیدگاه عالم ربانی و حکیم الهی محمد بن ابراهیم، صدرالدین شیرازی (معروف به

زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست

ملاصدرا معتقد است، بر پیامبر واجب است که برای بعد از خود جانشینانی قرار دهد، و باید به گونه ای درباره آنها تصریح کند که جایی برای شک و طعن باقی نماند، زیرا وجود مادی آنها برای همیشه باقی نیست، بناچار باید آشکارا به وجود امامی تصریح کند که امت بدان اقتدا نماید. [۱۲] همچنین باید دانست که زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست، و با رفتن هر کدام، نوبت دیگری می رسد. ایشان برای این مدعا به این آیه استشهاد می کنند: و لقد أرسلنا نوحاً و إبراهیم و جعلنا فی ذریتهما النبوه و الکتاب فمنهم مهتد و کثیر منهم فاسقون ثم قفینا علی آثارهم برسلنا، و قفینا بعیسی بن مریم و آتیناه الإنجیل... [۱۳]. ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در فرزندان آنها نبوت و کتاب را قرار دادیم، پس از آن بعضی از آنها هدایت یافتند و بسیاری از آنها فاسق شدند. سپس به دنبال آنها رسولان دیگر خود را فرستادیم، پس از آن عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم. بیان ملاصدرا در ذیل این آیه چنین است: این آیه دلیل بر این است که زمان از کسی که قیام کند و حجت خدا بر خلقش باشد، خالی نیست، این سنت الهی از زمان نوح و آدم و آل ابراهیم تا زمان پیامبر ما جاری بوده و سنت الهی تبدیل نمی شود. با تمام شدن نبوت آن ولایتی که باطن نبوت است، تا روز قیامت باقی است. پس بناچار بعد از سپری شدن زمان رسالت، لازم است ولی و سرپرستی باشد که با کشف شهودی و بدون

یادگیری از خلق، خدا را عبادت کند، و نزد او منبع تمام دانشهای دانشمندان و مجتهدان موجود است، و در امر دین و دنیای مردم ریاست دارد، و از جانب خدا، مردم را به فطرتشان دعوت می کند، چه مردم اطاعت کنند چه نکنند، و یا؛ لاپ پ دعوت او را اجابت کنند یا او را انکار نمایند، و فرقی نمی کند آن ولی ظاهر باشد و دیگران او را ببینند، و یا همچون بسیاری از ائمه طاهرین از دیده ها پوشیده و پنهان باشد. [۱۴]. شاهد این مطلب فرمایش علی، علیه السلام، به کمیل است که پس از بیان فضیلت علم و ارزش علما می فرماید: اللَّهُمَّ بَلِي! لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، ظَاهِرًا وَ مَشْهُورًا، أَوْ مُسْتَتِرًا مَغْمُورًا لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَجَ اللَّهِ وَ بَيْنَاتِهِ، كَمْ ذَا وَ أَيْنَ أَوْلَيْكَ؟ أَوْلَيْكَ وَاللَّهِ الْأَقْلُونَ عِدْدًا، الْأَعْظَمُونَ خَطَرًا، بِهِمْ يُحْفَظُ اللَّهُ حُجَّتَهُ وَ بَيْنَاتِهِ حَتَّى يُوَدَّعُوا نَظْرَانَهُمْ، وَ يَزْرَعُونَ فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ. هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمَ عَلَى حَقِيقَتِهَا بِبَصِيرَةٍ وَ بَأَشْرَ وَ رُوحِ الْيَقِينِ، وَ اسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرْفُونَ، وَ أَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ، صَحَبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مَعْلُوقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى؛ أَوْلَيْكَ خَلْفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ الدَّعَاةُ إِلَى دِينِهِ. آه! آه! شَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِهِمْ. بَارِ خَدَايَا! آرِي، زَمِينَ مِنْ قِيَامِ كُنُنْدَةٍ لِخَدَايَا بِوَسِيلَةِ حُجَّتِ وَ دَلِيلِ، خَالِي نَمِي مَانِد، يَا أَشْكَارَ وَ مَشْهُورَ اسْتِ، يَا پَنَهَانَ وَ مَجْهُولَ، تَا اَيْنَكِه حُجَّتِهَا وَ دَلِيلِهَايَا خَدَايَا مِنْ بَيْنِ نَرُودِ. اَيْنِهَا چِنْدَ نَفَرُنْدِ؟ وَ كَجَا هَسْتِنْدِ؟ سَوَكُنْدَ بِه خَدَايَا كِه اَيْنِهَا مِنْ نَظَرِ شَمَارَشِ اِنْدَكِ هَسْتِنْدِ وَ اَزْ نَظَرِ مَنْزَلَتِ وَ بَزْرُوكِي، بَسِيَارَ بَزْرُوكَوَارِ وَ بَلِنْدَ مَرْتَبَه اِنْدِ. بِه وَسِيلَه اَيْنِهَا حُجَّتِ وَ دَلِيلِهَايَا رُوشَنِ خَدَايَا حَفْظِ مِي شُودِ تَا اِنْدِ رَا بِه هَمَانْدِ اِنْهَا بَسِيَارُنْدِ، وَ اِنْدِ رَا دَرِ قَلْبِهَايَا

همانند آنها کشت نمایند. علم و دانش با بصیرت حقیقی به اینها روی آورده، و روح یقین را به کار بسته اند. آنچه را که اشخاص خوش گذران سخت می گیرند، اینها آسان می گیرند. و به آنچه که افراد نادان از آن وحشت دارند، انس گرفته اند به وسیله بدنهایی که ارواح آن به جای بسیار بلندی آویخته، در دنیا زندگی می کنند. اینها جانشینان خدا در زمین هستند که به سوی دین او دعوت می کنند. آه! آه! چه بسیار مشتاق دیدار آنها هستیم. [۱۵]. صدرالمآلهین پس از بیان علی، علیه السلام، نتایجی به شرح زیر می گیرند: اول: عالم حقیقی ولایت و ریاست در دین دارد. دوم: سلسله عرفان به خدا و ولایت مطلقه هیچگاه قطع نمی شود. سوم: آبادی جهان و انسانها و سایر حیوانات و همه موجودات به خاطر وجود آن عالم ربانی است. چهارم: آن حجت الهی واجب نیست ظاهر باشد و چه بسا پنهان باشد. پنجم: اولیای خاص الهی، با الهام از خداوند، علوم و معارف را کسب می کنند. ششم: با این اوصاف شرافت حکمت الهی و منزلت صاحبان روشن می شود که چگونه علی، علیه السلام، مشتاق لقای آنهاست. [۱۶].

شرایط امامت و تعیین مصداق

امام منصوب از جانب خدا باید از گناهان پاک باشد، و باید دارای اوصاف کمالیه ای همچون علم، قدرت، شجاعت، کرم، زهد، مروت، و فصاحت در حد اعجاز باشد که اجتماع همه آنها در یک نفر کمیاب باشد و با آن شایسته خلافت در زمین و سپس آسمان شود. همچنین امام باید از نقصها و عیبهای نفسانی که با خلافت جمع نمی شود، همچون کفر، جهل، سفاهت، تندخویی، کبر و نفاق و از امراض بدنی پاک باشد. صدرالمآلهین پس از بیان این اوصاف می گوید: پس از رسول خدا، صلی الله علیه و آله، هیچ

کس جز علی بن ابی طالب - برادر و پسر عموی پیامبر - دارای چنین فضایل و کمالاتی نبود. و برای اثبات این مدعا، سه دلیل ذکر می‌کند: دلیل اول، کلام خدا که می‌فرماید: لا ینال عهدی الظالمین. [۱۷]. عهد من به ظالمان نمی‌رسد. دلیل دوم، آیه شریفه: إِنَّما ولیکم اللّٰه و رسوله و الّٰذین یتیّمون الصّلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون. [۱۸]. تنها ولی شما خدا و رسول او، و کسانی هستند که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند. دلیل سوم، تصریح به ولایت علی، علیه السلام، در حجه‌الوداع، و احادیث دیگری که از پیامبر رسیده است. سپس می‌گوید: بعد از علی، علیه السلام، اولاد معصومش که این صفات در آنها جمع است، شایستگی ولایت دارند تا برسد به صاحب این زمان، حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، که به قسط و عدل قیام می‌کند، زیرا بوسیله او زمین از عدل و قسط پر می‌شود، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده است. پس وجود آن حضرت ثمره عالم و کمال آن است و با از بین رفتن او همه چیز زایل می‌شود. زیرا ثابت شده که وجود انسان کامل علت غایی این عالم است. و این مباحث از راه تتبع در آثار و اخبار به دست می‌آید، نه از طریق مباحث کلامی و استدلال. [۱۹]. همچنین در شرح اصول کافی، پس از ذکر روایاتی که دلالت دارد که ائمه دوازده نفرند، در جمع بندی می‌گوید: تمام این روایات سندشان از طریق اهل سنت ذکر شده و در کتب صحاح آنها، همه آنها ثابت است. و در ذیل روایت دیگری درباره حضرت مهدی، از شارح «مشکوه» نقل می‌کند که: این احادیث و امثال آن، دلیل روشنی است بر

این که خلافت مختص به قریش است و برای غیر آنها جایز نیست، و پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، نیز فرموده این حکم تا آخر روزگار است، و کسی که در عقلش آفتی نباشد، و جلو چشمان بصیرتش حجابی نباشد، می داند که این روایات متواتر و صحیح دلالت دارد که جانشینان پیامبر دوازده نفرند که همه از قریش هستند، و دین الهی و اسلام را تا قیامت پیاپی می دارند، و جزائمه شیعه امامیه کسی چنین صفاتی ندارد. [۲۰].

فضیلت اهل بیت

اعتقاد ملاصدرا این است که انسانها از لحاظ درجه روحی و در شدت و ضعف با هم متفاوتند. [۲۱] بالا-ترین مرتبه کمال روحی روح انبیاست، و در میان پیامبران نیز شریف ترین روح، روح خاتم آنهاست، سپس روح اولیای الهی و اهل پیامبر که سلسله آنها تا زمان حضرت مهدی ادامه دارد. [۲۲]. اولیای الهی و علمای بعد از پیامبر تا قیام مهدی، و حتی کسانی که قبل از پیامبر بوده اند از راه باطنی، از روح پیامبر، صلی الله علیه و آله، بهره می جویند. [۲۳]. همچنین در دست این بزرگواران کتاب جفر و جامعه به ودیعه گذاشته شده و تا ظهور حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، از هر امامی به امام دیگر می رسد، و هر چه حلال و حرام خداست و هر چه انسان بدان محتاج است، در آن وجود دارد. [۲۴].

ایمان به حضرت مهدی ایمان به غیبت است

بر اساس بسیاری از روایات آخرین سلسله امامت به حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، می رسد بر همین اساس ایشان تصریح می کند که علمای امامیه اتفاق نظر دارند که امام زمان ما، همان مهدی است که ظهورش در آخرالزمان وعده داده شده است. و بنا بر [۲۵] بعضی روایات که از اصحاب ما رسیده است، مراد به «الذین یؤمنون بالغیب» زمان غیبت و زمان قیام [۲۶] آن حضرت است که قرآن و روایات از آن خبر داده است. [۲۷].

ویژگی های حضرت مهدی در هنگام ظهور

از مطالبی که بیان شد، روشن می شود که کارهایی که در زمان ظهور حضرت مهدی، علیه السلام، تحقق می یابد کاملاً با خواسته های پیامبر اسلام منطبق است، زیرا بین این دو، به وسیله امری باطنی ارتباط وجود دارد، و به همین جهت اهداف وحی و نبوت، در زمان ظهور آن حضرت تحقق می یابد، و شعاع خورشید حقیقت همه جا را فرا می گیرد. در آن روز نور دین و توحید الهی ظهور پیدا می کند و ظلمت های شرک ابلیسی غروب می کند، باطل بکلی رخت بر می بندد، زیرا بعد از آنکه زمین از ظلم و جور پر شده است، خداوند به وسیله او زمین را از قسط و عدل پر می کند. [۲۸]. از ویژگی های زمان ظهور این است که اختلاف بین اهل ظاهر برطرف می شود، و اجتهاد و کلام از بین می رود و احکام مختلف در یک مسأله تبدیل به یک حکم می شود، و آن هم همان حکمی است که در علم خدای سبحان است، و همچون زمان رسول خدا مذهبها به یک مذهب تبدیل می شود، چون این مطابق علم الهی است. بنابراین، اگر اجماع فقها در یک فتوا مخالف کشف صحیح باشد، حجّت نیست، هر

چند که مطابق صراحت روایات باشد. بر اساس این مبنا، اگر کسی از راه کشف صحیح به حکمی از احکام الهی پی برد؛ و در انجام اعمال، با اجماع فتاوی اهل ظاهر مخالفت کند، در این مخالفت ملامتی نیست و از شریعت خارج نشده است، چون از راه باطن کلام پیامبر و باطن کتاب و سنت را به دست آورده است. [۲۹].

صدر المتألهین و مسأله رجعت

در روایاتی از اهل بیت، علیهم السلام، آمده است که خداوند گروهی از مردگان را به همان صورتی که بوده اند، به این دنیا برمی گرداند. این واقعه نسبت به کسانی است که در مراتب بالای ایمان و یا در نهایت فساد باشند، و در زمان قیام حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، اتفاق می افتد. این همان معنای «رجعت» است، و از دیر باز مورد اختلاف علمای دین بوده است. نظر صدر المتألهین این است که با توجه به روایات زیاد و صحیحی که از امامان و بزرگان از اهل بیت رسیده است، مذهب رجعت حق است و هنگام ظهور قائم آل محمد تحقق می یابد. در این باره مانع عقلی هم وجود ندارد، چون شبیه به آن در زنده شدن مردگان با اذن خداوند و به دست پیامبرانی همچون حضرت عیسی و شمعون اتفاق افتاده است. [۳۰].

اهل سنت و مسأله امامت و مهدویت

صدر المتألهین با ذکر دو نظریه از اهل سنت درباره امامت و حضرت مهدی، هر دو را رد می کند. درباره امامت، با تعجب می گوید: اینها امام را به پادشاهان دنیوی و قدرتمندان حمل کرده اند، چه عالم باشند، چه جاهل، چه عادل باشند، چه فاسق. سپس بر آنها خرده می گیرد که با توجه به اینکه در روایات آمده است: من مات و لم یعرف إمام زمانه، مات میتها لجاهل یهکسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است. حال برای شناخت این امام جاهل و فاسق چه ثمره ای وجود دارد که اگر کسی بمیرد و آن را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ [۳۱]. اما درباره حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، نیز آنها وجود آن حضرت و بقایش را تا این زمان بعید می شمارند. ایشان در جواب می گوید: این استبعاد در نهایت سقوط است، زیرا دلایل طبی و نجومی

محال بودن بقای انسان بعد از ۱۲۰ سال را درست نمی دانند، و همچنین ما مواردی از گذشتگان را سراغ داریم که عمرهای طولانی داشته اند؛ مثل آدم و نوح و امثال آن دو و همچنین دجال لعین که عمرش از زمان رسول خدا تا وقت خروج مهدی ادامه دارد. [۳۲]. با توجه به مطالبی که بیان شد، اعتقاد مرحوم صدرالمتهلین به مهدی موعود، علیه السلام، و ظهور آن حضرت و همچنین مسأله رجعت، بر پایه آیات الهی و روایات معصومین، بنا نهاده شده و با عقل سلیم نیز هماهنگ است. همچنانکه در بعضی مباحث، برای اثبات مدعای خود از برهان عقلی استفاده کرده است.

نظرة فی احادیث المهدی

الشیخ محمد الخضر حسینوردت احادیث تنبیء بظهور رجل فی آخر الزمان یتقیم العدل ویحکم الناس بالشریعه، وسمی فی بعض هذه الاحادیث بالمهدی، وکثیراً ما یتشوف الناس الی ان یقفوا علی حقیقه هذه حقیقه هذه الاحادیث الواردة فی شأنه، ویعرفوا موقعها من الصحه، ولا سیما عندما یقوم شخص یدعی المهدویه، او تحدث حادثه غریبه کحادثه هذه الايام، تدعو الناس الی انی یجعلوا لها نصیباً من الحدیث فی مجالسهم. ذلك ما دعانی بصفه انی کنت مدرساً للحدیث وعلوم الحدیث فی کلیه اصول الدین الی ان اعرض فی هذه المحاضره ما وصل الیه بحثی، واستقر علیه نظری فی هذه القضیه، مستنداً الی القواعد الصحیحه الی توضع کل حدیث موضعه، غیر قابل عما یترتب علی بعض الاعتقادات من فساد فی العلم، او یجول فی النفس من شبه یتیرها الوهم، فأقول: الأحادیث النبویه فی العلم، ما یسمى بالحدیث المتواتر، وهو ما یرویه عن النبی صلی الله علیه واله وسلم جماعه یتحیل فی العاده تواطؤهم علی الکذب، ومنها خبر

الآحاد، وهو ما يرويه الثقة العدل عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم. وما يدعو اليه الدين الحق: اما ان يكون أصلاً من أصول الدين، أى لا- تتم حقيقه الايمان الا- به، وهذا لا- يحتج عليه الا بالحديث المتواتر؛ واما أن يكون حكماً عملياً، كأن يقال هذا واجب او حرام او جائز. وهذا موضع الاحتجاج بخبر الآحاد. ويلحق بالأحكام العمليه فى صحه الاحتجاج عليه بخبر الآحاد اشياء يخبر بها الشارع ليعلمها الناس من غير ان يتوقف صحه ايمانهم على معرفتها. ومن هذا القبيل حديث المهدي، فاذا ورد حديث صحيح عن النبي صلى الله عليه واله وسلم بأنه سيقع فى آخر الزمان كذا، حصل به العلم، ووجب الوقوف عنده من غير حاجه الى ان يكثر رواه هذا الحديث حتى يبلغ مبلغ التواتر. والاحاديث الوارده فى شأن المهدي على وجهين: احاديث صرح فيها بأسم المهدي كحديث ابى سعيد الخدرى رضى الله عنه: (المهدي منى أجلى الجبهه اقنى الأنف يملأ الارض قسطاً وعدلاً)، واحاديث لم يصرح فيها بهذا الاسم، وانما اشير اليه فيها بصفات خاصه كحديث: (لو لم يبق من الدهر الا يوم لبعث الله رجلاً من أهل بيتي يملأها عدلاً كما ملئت جوراً). ولم يرو فى الجامع الصحيح للإمام البخارى حديث فى شأن المهدي، وانما ورد فى صحيح مسلم حديث لم يصرح فيه باسمه، وحمله بعضهم على ان المراد منه المهدي المصرح به فى غيره من كتب السنه؛ وهو حديث جابر بن عبد الله الانصارى اذ قال: قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم (يكون فى آخر أمتى خليفه يحثى المال حثياً لا يعده عدلاً)، وفى روايه عن جابر وابى سعيد الخدرى فى مسلم ايضاً: (يكون فى آخر

الزمان خليفه يقسم المال ولا يعده).وقد روى احاديث المهدي المصرح فيها باسم المهدي او المشار فيها الى بعض صفاته بقيه كتب الحديث، فرواها: الامام احمد بن حنبل والحاكم وابو داود والترمذى وابن ماجه والطبرانى وابو نعيم وابن ابى شيبه وابو يعلى والدارقطنى والبيهقى ونعيم بن حماد وغيرهم. وجمعت هذه الاحاديث فى رسائل مستقلة، مثل: «العرف الوردى فى اخبار المهدي» للسيوطى و«القول المختصر فى علامات المهدي المنتظر» لابن حجر الهيتمى و«المورد الوردى فى حقيقه المهدي» لملا على قارى و«التوضيح فى تواتر ما جاء فى المنتظر والدجال والمسيح» للشوكانى...وأول من اتجه الى نقد احاديث المهدي فيما عرفنا ابو زيد عبد الرحمن بن خلدون، فقد ذكر فى مقدمه تاريخه ان فى الناس من انكروا احاديث المهدي وتكلموا فيها، واورد منها ثمانية وعشرين حديثاً. وقد منعه ما اعتاده من تحقيق البحث فى القضايا العلميه ان يحكم عليها كما يفعل غير اهل العلم بأنها غير ثابتة، بل تصدى الى نقدها بنقل ما قدح به اهل الفن فى بعض رواتها، واورد من بينها حديث ابى سعيد الخدرى قال: قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم: (لا تقوم الساعة حتى تملأ الارض جوراً وظلماً وعدواناً، ثم يخرج من اهل بيتى رجل يملؤها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً)، وقال: هذا الحديث رواه الحاكم، وقال: هذا صحيح على شرط الشيخين يعنى البخارى ومسلماً ولم يخرجاه، واورد فيها ما رواه الحاكم ايضا عن ابى سعيد الخدرى عن رسول الله صلى الله عليه واله وسلم قال: (يخرج فى آخر امتى المهدي يسقيه الله الغيث، وتخرج الارض من نباتها، ويعطى المال صحاحاً، وتكثر الماشيه، وتعظم الامه، يعيش سبعاً او ثمانياً)

يعنى حججاً. وقال الحاكم فى هذا الحديث: صحيح الاسناد ولم يخرجاه، يعنى البخارى ومسلماً. ثم اعترف ابن خلدون بعد بأن بعض الاحاديث خالص من النقد اذ قال: فهذه جمله الاحاديث التى خرجها الاثمه فى شأن المهدي وخروجه آخر الزمان كما رأيت، لم يخلص منها من النقد الا القليل والاقل منه. ونحن نقول: متى تثبت حديث واحد من هذه الاحاديث وسلم من النقد، كفى فى العلم بما تضمنه من ظهور رجل فى آخر الزمان يسوس الناس بالشرع، ويحكمهم بالعدل، اذ أريناك ان مسأله المهدي لم تكن من قبيل العقائد التى لا تثبت الا بالادله القاطعه. والصحابه الذين رويت من طريقهم احاديث المهدي نحو (٢٧) صحابياً رضى الله عنهم منه ابو سعيد الخدرى، وعبد الله بن مسعود، وعلى بن ابي طالب، وابو هريره، وانس بن مالك، وجابر بن عبد الله الانصارى، وام سلمه وعبد الله بن عمرو بن العاص، وعمار بن ياسر، والعباس بن عبد المطلب، وتميم الدارى، وابن عباس. والواقع ان احاديث المهدي بعد تنقيتها من الموضوع والضعيف القريب منه، فان الباقي منها لا يستطيع العالم الباحث على بصيره ان يصرف عنه نظره، كما يصرفه عن الاحاديث الموضوعه. وقد صرح الشوكانى فى رسالته المشار اليها آنفاً بأن هذه الاحاديث بلغت مبلغ التواتر فقال: (والاحاديث الوارده فى المهدي التى امكن الوقوف عليها، منها خمسون فيها الصحيح والحسن والضعيف المتجبر، وهى متواتره بلا شك، بل يصدق وصف التواتر على ما دونها على جميع الاصطلاحات المحرره فى الاصول). يقول بعض المنكرين لاحاديث المهدي جمله: ان هذه الاحاديث من وضع الشيعة لا محاله، ويرد هذا بأن هذه الاحاديث مرويه بأسانيدها. منها ما تقصينا رجال سنده، فوجدناه ممن عرفوا بالعداله والضبط، ولم يتهم احد من رجال

التعديل والتجريح بتشيع مع شهره نقدهم للرجال. وقال ابن خلدون: وربما تمسك المنكرون لشأن المهدي بما رواه محمد بن خالد الجندی عن أبان بن صالح عن الحسن البصرى عن انس بن مالك عن النبي صلى الله عليه واله وسلم انه قال (لا مهدي الا عيسى). وهذا حديث مصنوع فقد قال نقاد الاسانيد كالحاكم: ان محمد بن خالد رجل مجهول. وقال ابن عبد البر: انه متروك. وقال الازدى: منكر الحديث، وآخذ في مثل هذا بقول ابن حزم: اذا كان فى سند الحديث رجل مجروح بكذب، او غفله، او مجهول الحال، لا يحل عندنا القول به، ولا تصديقه، ولا الاخذ بشيء منه. وقد اتخذ مسأله المهدي كثير من القائمين لانشاء دول، وسيله الى الوصول الى غاياتهم، فادعوا المهديه ليتهافت الناس على الالتفاف حولهم، فالدولة الفاطمية قامت على هذه الدعوه، اذ زعم مؤسسها عبيد الله انه المهدي. ودوله الموحديين جرت على هذه الدعوه، فان مؤسسها محمد بن تومرت اقام امره على هذه الدعوه. وظهر فى ايام الدوله المرينيه بفاس رجل يدعى التوزرى، واجتمع حوله رؤساء صنهاجه وقتله المصامده. وقام رجل اسمه العباس سنه ٦٩٠ هـ، فى نواحي الريف من المغرب وزعم انه المهدي، واتبعه جماعه، وآل امره الى ان قتل وانقطت دعوته. وبعد ثوره احمد عرابى بمصر ظهر فى السودان رجل يسمى محمد احمد ادعى انه المهدي، واتبعته قبيله البقاره عن جهينه على انه المهدي سنه ١٣٠٠ هـ، وهو الذى خلفه بعد موته التعايشى احد زعماء قبيله البقاره. والفرقه الكيسانيه يجعلون المهدي محمد بن الحنفية، ويزعمون انه مختف فى جبل رضوى بين المدينه وينبع. والشيعه الاماميه يقولون: ان محمد بن الحسن العسكري هو المهدي المنتظر، ويزعمون انه اختفى فى سرداب بالحله من بلاد العراق فى اواخر

القرن الخامس الهجرى.واذا اساء الناس فهم حديث نبوى، او لم يحسنوا تطبيقه على وجهه الصحيح، حتى وقعت وراء ذلك مفاسد، فلا ينبغي ان يكون ذل داعيا الى الشك فى صحه الحديث، او المبادره الى انكاره، فان النبوه واقعه بلا شبهه، وقد ادعاها اناس كذباً وافتراء، وأخلوا بدعواهم كثيراً من الناس، مثل ما يفعل طائفه القاديانيه اليوم. والالهيه ثابتة بأوضح من الشمس فى كبد السماء، وقد ادعاها قوم لزعمائهم على معنى ان الله جل شأنه يحل فيهم، مثلما يفعل طائفه البهائيه فى هذا العهد فليس من الصواب انكار الحق من اجل ما الصق به من باطل.والخلاصه: ان احاديث المهدي ما يعد فى الحديث الصحيح، وبما انى درست علم الحديث، ووقفت على ما يميز به الطيب من الخبيث ارانى ملجأ الى ان اقول كما قال رجال الحديث من قبلى: ان قضيه المهدي ليست بقضيه مصطنعه.ولا اترك مكانى هذا حتى انبه على انه لم يرد، ولو فى الاحاديث الموضوعه، ان المهدي يولد من غير اب. وانبه على ان الحديث الذى ذكره ابو بكر الاسكافى فى كتاب (فوائد الاخبار) موضوع، وهو حديث: (من كفر بالمهدي فقد كفر) وابو بكر الاسكافى من المتهمين بوضع الاحاديث: «سبحانك لا- علم لنا الا- ما علمتنا انك انت العليم الحكيم».

بعض ما ورد فى احاديث الاصحاب والتابعين حول الامام المهدي

مر علينا فى الفصول السابقه أحاديث الرسول الأعظم (صلى الله عليه وآله) والأئمه الأطهار (عليهم السلام) فى الإمام المهدي (صلوات الله وسلامه عليه)، ونقدم فى هذا الفصل كلمات كبار الصحابه والتابعين (رضوان الله عليهم) فيه (عليه السلام)، وإجماعهم على ظهوره وتسالمهم على قيامه، نورد لكل منهم كلمه واحده: ١ قال جابر بن عبد الله الأنصارى فى الإمام زين العابدين (عليه السلام): ما رؤى فى

أولاد الأنبياء مثل علي بن الحسين إلا يوسف بن يعقوب، والله لذريه علي بن الحسين أفضل من ذريه يوسف بن يعقوب، وإنّ منهم لمن يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً. (بحار الأنوار ١٩: ١١) ٢ لما دخل سلمان (رضى الله عنه) الكوفة ونظر إليها، وذكر ما يكون من بلائها، حتى ذكر ملك بنى أمية والذين من بعدهم. قال: فإذا كان ذلك فالزموا أحلاس بيوتكم حتى يظهر الطاهر ابن الطاهر المطهر، ذو الغيبة الشريد الطريد. (الغيبة للشيخ الطوسي: ١١٢) ٣ قال عمار بن ياسر: علامه خروج المهدي انسياب الترك عليكم، وأن يموت خليفتم الذي يجمع لكم الأموال، ويستخلف رجلاً من بعده ضعيفاً يُخلع بين سنتين، ويخسف بغربي مسجد دمشق، وخروج ثلاثة نفر بالشام، وخروج أهل المغرب إلى مصر، وتلك أماره خروج السفيناني. (كشف الأستار: ١٣٣) ٤ قال عبد الله بن العباس بن عبد المطلب: إنّه يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، وتأمين البهائم والسباع في زمنه، وتلقى الأرض أفلاذ كبدها أى مثل الأسطوانه من الذهب والفضه. (الصواعق المحرقة: ٩٩) ٥ قال كعب الأحبار: إنّي لأجد المهدي مكتوباً في أسفار التوراه: ما في عمله ظلم ولا عتب. (الملاحم والفتن: ٨٢) وقال: المهدي خاشع لله كخشوع الزجاجه. (الملاحم والفتن: ٤٧) ٦ قال صعصعه بن صوحان للززال بن سبره: إنّ الذي يصلى خلفه عيسى ابن مريم هو الثاني عشر من العتره، التاسع من ولد الحسين بن علي، وهو الشمس الطالعه من مغربها، يظهر عند الركن والمقام، يطهر الأرض، ويضع ميزان العدل فلا يظلم أحد أحداً. (بحار الأنوار ١٥٦: ١٣) ٧ قال طاووس: وددت أنّي لا أموت حتى أدرك زمان المهدي، يزداد المحسن في إحسانه ويثاب فيه على المسيء. (الملاحم والفتن: ٤٥) ٨ عن قتاده: قال: قلت لسعيد بن المسيب: المهدي حق هو؟ قال: حق. قلت: ممن

هو؟ قال: من قريش. قلت: من أى قريش؟ قال: من بنى هاشم بنى عبد المطلب. قلت: من أى عبد المطلب؟ قال: من ولد فاطمه. (الملاحم والفتن: ٩٤٩) قال محمد بن سيرين وقد ذكر المهدي (عليه السلام) فقال: فقد كان يفضل على بعض الأنبياء. (كشف الأستار: ١٠١٩٦) قال عمرو بن العاص: علامه خروج المهدي إذا خسف بجيش في البيداء، فهو علامه خروج المهدي. (منتخب الأثر: ١١٤٥٩) قال عامر بن شراحيل الشعبي: اعلم أن رواياتنا نحن وأكثر أهل الإسلام أيضاً أن نبينا (صلى الله عليه وآله) قال: لا بد من مهدي من ولد فاطمه ابنته، يظهر فيملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت من غيره ظلماً وجوراً. (غايه المرام: ١٢٧٠٤) قال محمد بن مسلم الزهري: إذا التقى السفيناني والمهدي للقتال، يومئذ يسمعون من السماء صوتاً: ألا إن أولياء الله من أصحاب فلان. يعنى المهدي. (منتخب الأثر: ١٣٤٨١) قال إسماعيل بن عبد الرحمن السدي: يجتمع المهدي وعيسى ابن مريم فيجىء وقت الصلاة فيقول المهدي لعيسى تقدم، فيقول عيسى: أنت أولى بالصلاه، فيصلى عيسى وراءه مأموماً. (تذكرة الخواص: ١٤٢٧٧) قال مقاتل بن سليمان في تفسير قوله تعالى: (وَإِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ): إنها نزلت في المهدي. (المهدي للصدر: ١٤١١٥) قال عبد الله بن عمر: إذا خسف بجيش البيداء فهو علامه خروج المهدي. (الملاحم والفتن: ١٦٥٠) قال زيد بن علي بن الحسين (عليهم السلام) لابن بكير: بنا عرف الله، وبنا عبد الله، ونحن السبيل إلى الله، ومنا المصطفى والمرضى، ومنا يكون المهدي قائم هذه الأمة. قلت: يا بن رسول الله هل عهد إليكم رسول الله (صلى الله عليه وآله) متى يقوم قائمكم؟ قال: يا بن بكير إنك لن تلحقه وإن هذا الأمر تليه سته من الأوصياء بعد هذا، ثم يجعل الله خروج قائمنا فيملؤها قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً

وظلماً. (بحار الأنوار ٥٨:١١)١٧ قال محمد ابن الحنفية لمحمد بن بشير في علامات خروج المهدي: إذا رأيت الحاجه قد ظهرت، وقال الرجل بُتُّ الليله بغير عشاء، وحتى يلقاك بوجه آخر... فعند ذلك تقع الصيحه من قريب. (بحار الأنوار ١٦٩:١٣)١٨ قال علي بن عبد الله بن عباس: لا يخرج المهدي حتى تطلع مع الشمس آيه. (بحار الأنوار ١٦٢:١٣)١٩ قال سعيد بن جبير: السنه التي يقوم فيها المهدي تمطر أربعاً وعشرين مطره، يُرى أثرها وبركتها. (الغيبه لشيخ الطوسي: ٢٨٥)

بعض ما ورد في احاديث الرسول الاكرم حول الامام المهدي

تواتر الحديث عن الرسول الأعظم (صلى الله عليه وآله) في الإمام المهدي (عليه السلام)، وأن اسمه اسم النبي (صلى الله عليه وآله)، وكنيته كنيته، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً. وهذه الأحاديث بكثرة لا يمكن حصرها، وتواتر يقطع بصحتها، فلا يكاد يخلو منها كتاب في الحديث، أو معجم في التراجم والسير، ولو تصدينا لجمع ما أمكن منها لكانت موسوعه كبرى في الحديث، وتمشياً مع هذا المختصر سجلنا منها عشرين حديثاً من أحاديثه (صلى الله عليه وآله) يختلف كل واحد عن الآخر لفظاً ومعنى، أخذناها من عشرين كتاباً وقد حذفنا سند هذه الأحاديث مكتفين بذكر المصدر. وهذا إن دل على شيء فإنما يدل على تواتر حديث المهدي (عليه السلام)، وأن الرسول الأعظم (صلى الله عليه وآله) كان يبشر الأمة الإسلاميه بظهوره في كل نادٍ ومحفل، ومنتدى ومجمع، واليك الآن: ١ قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لن تنقضى الأيام والليالي حتى يبعث الله رجلاً من أهل بيتين يواطئ اسمه اسمي، يملؤها عدلاً وقسطاً، كما ملئت ظلماً وجوراً. (الإرشاد للشيخ المفيد: ٣٧٣) ٢ أخرج أحمد والترمذي وأبو داود وابن ماجه عنه (صلى الله عليه وآله): لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لبعث الله فيه

رجلاً من أهل بيتي يملؤها عدلاً كما ملئت جوراً. (إسعاف الراغبين بهامش نور الأبصار: ١٣٤) ٣ عن المعلى بن زياد عن العلاء قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): أبشركم بالمهدى يبعث في أمتي على اختلاف من الناس وزلازل فيملا الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، يرضى عنه ساكن السماء وساكن الأرض، يقسم المال صحاحاً فقال رجل: ما صحاحاً؟ قال: بالسوية بين الناس، ويملا الله قلوب أمه محمد (صلى الله عليه وآله) غنى، ويسعهم عدله، حتى يأمر منادياً فينادى فيقول: من له في المال حاجة؟ فما يقوم من الناس إلا- رجل، فيقول: أنا، فيقول: أتت السدان يعني الخازن فقل له: إن المهدى يأمرك أن تعطيني مالاً. فيقول له: أحت، حتى إذا جعله في حجره وأبرزه ندم فيقول: كنت أجشع أمه محمد نفساً، أو عجز عني ما وسعهم. قال: فيرده فلا يقبل منه. فيقول: إننا لا نأخذ شيئاً أعطينا فيكون كذلك سبع سنين أو ثمان سنين أو تسع سنين، ثم لا خير في العيش بعده، أو قال: لا خير في الحياة بعده. (البيان في أخبار صاحب الزمان: ٨٥) ٤ عن سلمان المحمدي قال: دخلت على النبي (صلى الله عليه وآله) والحسين على فخذه وهو يقبل عينيه، ويلثم فاه ويقول: إنك سيد ابن سيد أبو سادة، إنك إمام ابن إمام أبو أئمه، وإنك حجه ابن حجه أبو حجج تسعه من صلبك، تاسعهم قائمهم. (مقتل الحسين للخوارزمي ١٤٦: ١) ٥ قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): يخرج في آخر الزمان رجل من ولدي اسمه كاسمي، وكنيته ككنيتي، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، فذلك هو المهدى. (تذكرة الخواص: ٢٠٤) ٦ قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لا تذهب الأيام والليالي حتى يملكك رجل من

أهل بيتي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً، كما ملئت ظلماً وجوراً. (الملاحم والفتن لابن طاووس: ٧(١٠١) قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لفاطمه (عليها السلام): المهدي من ولدك. (الحديث الرابع من أربعين الحافظ أبي نعيم. انظر كشف الغمه: ٨(٣٢١) قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): المهدي منا أهل البيت، يصلحه الله في ليله. (إكمال الدين ١: ٢٥٦) ٩ عن أبي هريره قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): كيف أنتم إذا نزل ابن مريم فيكم وإمامكم منكم. (صحيح البخاري ٢: ١٧٨) ١٠ عن أبي الحسن الرضا عن آبائه (عليهم السلام): قال: قال النبي (صلى الله عليه وآله): والذى بعثني بالحق بشيراً ليغيبن القائم من ولدى بعهد معهود إليه منى، حتى يقول أكثر الناس ما لله في آل محمد (عليه السلام) حاجه، ويشك آخرون في ولادته، فمن أدرك زمانه فليتمسك بدينه ولا يجعل للشيطان إليه سبيلاً بشكه فيزيله عن ملتي، ويخرجه من ديني، فقد أخرج أبويعكم من الجنة من قبل، وإن الله عز وجل جعل الشياطين أولياء للذين لا يؤمنون. ١١ أخذ (صلى الله عليه وآله) بيد علي فقال: يخرج من صلب هذا فتى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً. فإذا رأيتم ذلك فعليكم بالفتى التميمي فإنه يُقبل من قبل المشرق وهو صاحب رايه المهدي. (الفتاوى الحديثه ص ٢٧، لأحمد شهاب الدين بن حجر الهيتمي) ١٢- عن زر بن عبد الله قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لا تذهب الدنيا حتى يملكك العرب رجل من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي. (نور الأبصار للشبلنجي ص ١٥٥) ١٣ عن أنس بن مالك (رضى الله عنه) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): نحن بنو عبد المطلب سادات أهل الجنة: أنا وحمزه وعلي وجعفر بن أبي طالب والحسن والحسين والمهدي. (ذخائر العقبي

للعلامه الحافظ محب الدين أحمد بن عبد الله الطبري ص (١٥) ١٤ عن أبي سعيد الخدري قال: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول: الأئمة بعدى اثنا عشر، تسعه من صلب الحسين والمهدي منهم. (كفايه الأثر) ١٥ عن أبي أيوب الأنصاري قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لفاطمه (رضى الله عنها): من خير الأنبياء وهو أبوك، ومن خير الأوصياء وهو بعلك، ومن خير الشهداء وهو عم أبيك حمزه، ومن من له جناحان يطير بهما في الجنة حيث يشاء وهو ابن عم أبيك جعفر، ومن سبطا هذه الأمة سيدا شباب أهل الجنة الحسن والحسين وهما ابناك، ومن المهدي وهو من ولدك. (منتخب الأثر للطف الله الصافي ص ١٩١) ١٦ من حديث له (صلى الله عليه وآله): من أحب أن يلقي الله عز وجل وقد كمل إيمانه، وحسن إسلامه، فليتولّ ابنه صاحب الزمان المهدي. (أربعين الحافظ محمد بن أبي الفوارس. انظر إلزام الناصب ٣٢٧: ١) ١٧ قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): طوبى لمن أدرك قائم أهل بيتي وهو مقتد به قبل قيامه، يتولى وليه، ويتبرأ من عدوه ويتولّى الأئمة الهاديه من قبله، أولئك رفقاء وذو ودي ومودتي. (الغيبه للشيخ الطوسي: ٢٩٠) ١٨ عن أبي عباس (رضى الله عنهما) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ينزل بأمتي في آخر الزمان بلاء من سلطانهم لم يسمع بلاء أشد منه، حتى تضيق عليهم الأرض الرحبه، وحتى تملأ الأرض جوراً وظلماً، لا يجد المؤمن ملجأً يلتجئ إليه من الظلم، فيبعث الله عز وجل رجلاً من عترتي فيملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً، يرضى عنه ساكن السماء وساكن الأرض،

لا تدخر الأرض من بذرها شيئاً إلا أخرجته، ولا السماء من قطرها شيئاً إلا صبه الله عليهم مدراراً، يعيش فيهم سبع سنين أو ثمان أو تسع، تتمنى الأحياء الأموات ممّا صنع الله عز وجل بأهل الأرض من خيره. (المستدرک علی الصحیحین ۴:۴۶۵) ۲۰ قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله): تملأ الأرض ظلماً وجوراً، ثم يخرج رجل من عترتي يملك سبعمائة أو تسعاً، فيملأ الأرض قسطاً وعدلاً. (مسند أحمد ۳:۲۸)

پاورقی

[۱] ر. ک: قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای ندبه، اصل عبارتی که در دعای مزبور آمده چنین است: «این الطالب بدم المقتول بکربلاء».

[۲] ر. ک: همان، زیارت امام حسین (ع) در روز عاشورا. در بخشی از زیارت یادشده چنین آمده است: «فاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی ان یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد».

[۳] همان جا.

[۴] القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۴۱۱ ق، ص ۵۹۰، به نقل از: موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، قم، دارالمعروف، ۱۴۱۵ ق، ص ۶۵۹، ح ۶۸۸.

[۵] حسینی ترمذی، محمد صالح، مناقب مرتضوی، ص ۱۳۹، به نقل از: قرشی، علی اکبر، اتفاق در مهدی موعود ۷، ص ۳۵.

[۶] الشیخ الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ ق، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴؛ به نقل از موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۶۶۱، ح ۶۹۳.

[۷] همان، ج ۱، ص ۲۵۷، به نقل از: حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، صص ۳۶-۳۵.

[۸] همان، ج ۱، ص ۳۱۷، به نقل از موسوعه کلمات الامام الحسین، صص ۶۶۶-۶۵۵، ح ۷۰۳.

[۹] الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸

ص ۳۷، به نقل از حکیمی، محمد، همان، ص ۲۹۳.

[۱۰] در برخی از تفاسیر کلمه «والعصر» به وجود حضرت مهدی (ع) تفسیر شده است.

[۱۱] علم الیقین، ج ۲، ص ۷۹۳، به نقل از موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، صص ۶۶۹-۶۶۸، ح ۷۱۰.

[۱۲] صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، الطبعة الثانية، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۲۰.

[۱۳] سوره حدید (۵۷)، آیات ۲۶ و ۲۷.

[۱۴] تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۹۸.

[۱۵] نهج البلاغه (صبحی صالح)، کلمات قصار ۱۴۷.

[۱۶] تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۹۹ - ۳۰۰ و شرح الاصول الکافی، ص ۴۶۰.

[۱۷] سوره بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

[۱۸] سوره مائده (۵)، آیه ۵۵.

[۱۹] همان، ص ۲۲۱.

[۲۰] شرح الاصول الکافی، ص ۴۶۱.

[۲۱] تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، ص ۵۲.

[۲۲] همان، ص ۵۳.

[۲۳] همان، ج ۷، صص ۱۷۱ - ۱۷۲.

[۲۴] صدرالدین شیرازی، محمد، مفاتیح الغیب، ص ۳۷، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول ۱۳۶۳ عربی.

[۲۵] تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۰۱.

[۲۶] سوره بقره (۲)، آیه ۳.

[۲۷] تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۸.

[۲۸] همان، ج ۶، ص ۵۰.

[٢٩] مفاتيح الغيب، ص ٤٨٧.

[٣٠] تفسير القرآن الكريم، ج ٥، صص ٩٢ - ٩١.

[٣١] همان، ج ٦، ص ٣٠٢.

[٣٢] همان، ص ٣٠١.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

